



انترناسیونال

۲۲۵

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۱۴ دی ۱۳۸۶، ۴ ژانویه ۲۰۰۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

درب زندانها را باید گشود

محمود صالحی، منصور اسانلو، دانشجویان زندانی باید فوراً آزاد شوند



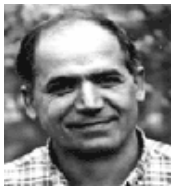
شهلا دانشفر

صفحه ۳

پیش است. مساله اینست که علی‌رغم اعتراضات گسترده برای آزادی این دو فعال کارگری، علی‌رغم به حرکت در آمدن يك کمپین بین المللی برای آزادی آنها که تحت فشار این اعتراضات شکل گرفته است، رژیم اسلامی تا کنون تن به آزادی آنها نداده است. موضوع چیست؟

محمود صالحی و منصور اسانلو دو چهره شناخته شده جنبش کارگری ماههاست که در زندانند. جرم محمود صالحی برپایی مراسم اول مه و منصور اسانلو تلاش برای برپایی سندیکای شرکت واحد و دست داشتن در اعتراضات کارگران واحد و اعتصاب با شکوه آنان در دو سال

شکاف بالا در مقابل بدحجابی عمیقتر میشود



اصغر کریمی

صفحه ۵

اند. در مازندران در همین مدت طبق گفته فرمانده نیروهای انتظامی این استان ۴۳۰۰۰ نفر و در استان کرمانشاه ۴۰۰۰۰ نفر دستگیر شده اند. تعداد افرادی که در دو استان کرمانشاه و مازندران مورد تذکر و اهانته قرار گرفته اما دستگیر نشده اند اعلام نشده است. به عبارتی در

طرح امنیت اجتماعی که اسم رمز سرکوب زنان و جوانان است، در ده ماه گذشته در ابعاد بسیار وسیعی در سراسر کشور جریان داشته است. طبق آمار رژیم تنها در شش ماه اول سال ۸۶، ۱۹۳۰۰۰ نفر در استان اصفهان بدلیل بدحجابی دستگیر شده و یا مورد بازجویی قرار گرفته

پیش بسوی صدمین سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن! صفحه ۳

به حزب کمونیست کارگری ایران ملحق میشوم!



مهرنوش موسوی

رخوت و استیصال و وارفتگی! مردم

صفحه ۴

فراخوان سوسیالیسم و انقلاب کارگری در مقابل سرمایه داران و دولتشان دست برداشته است، کوتاه نیامده است، بل بر عکس با جد و جهد برای سوسیالیسم و آزادی کارگران و مردم از قید استثمار تلاش میکنند! این حزب کمونیست کارگری است!

به حزب کمونیست کارگری ملحق میشوم برای اینکه برای پیشبرد امر و پروژه خود محتاج حزبی هستم که نماینده امید است نه شکست! نماینده عشق است، شادی و غرور است نه

به حزب کمونیست ایران میپیوندم برای اینکه کمونیستها برای متشکل کردن طبقه کارگر و برپایی انقلاب کارگری، ابتدا باید خود متشکل و متحد باشند!

به حزب کمونیست کارگری ملحق میشوم برای اینکه جهت برپایی انقلاب کارگری و تحقق آرمان جامعه برابری طلبانه ای که دنبال میکنم نیاز به حزبی دارم که حرف و عمل خود را روی این قطب نما تنظیم کرده است. حزبی که هیچ گاه و به هیچ بهانه ایی دست از

سال ۲۰۰۷ و کشاکش دو قطب ارتجاع



کازم نیکخواه

سال ۲۰۰۷ با اعدام صدام شروع شد و با ترور بی نظیر بوتو و دهها تن از اطرافیان او به پایان رسید. این دو رویداد و زمان وقوع آنها به طور سمبلیکی چهره جهان را در سال ۲۰۰۷ تصویر میکنند. جهان در سال ۲۰۰۷ نیز صحنه جنگ میان دو اردویی بود که اهداف و مصالحشان علیه زندگی و مصالح

ترحمی ناپود شدند. این کشاکش تنها در عراق قربانی نگرفت در کشورهای دیگر جهان نیز با ترورهای پی در پی هزاران نفر از مردم کشتار شدند. و آنها که کشتار نشدند مدام شیخ مرگ و ترور را بالای سر خود داشتند.

سال ۲۰۰۷ از این نظر سال منحصر فردی نبود. در این سال ما شاهد ادامه جنگ و کشاکشی بودیم که از چند سال پیش از آن شروع شده بود. وقتی که بشریت از این فضای جنگ و کشاکش دهشتناک و غیر قابل توصیف خلاص شود میتوان بطور مشخص تر به رویدادها بازگشت و نقاط عطف آن را بر شمرد. اینجا ما در میانه این کشاکش میدانیم که از چه داریم سخن میگوئیم. از جنگ میان نیروهای نظم نوینی هیئت حاکمه آمریکا و هم پیمانانش با نیروهای اسلام سیاسی سخن میگوئیم.

جنگ و ترور روزانه در عراق مهمترین میدان این کشاکش بود. از اوایل سال ۲۰۰۷ سایه یک جنگ دیگر، جنگ میان نیروهای نظم نوینی و حکومت اسلامی در ایران نیز بر سر مردم گسترانده شد و "بحران اتمی جمهوری اسلامی" و فضای

صفحه ۲

دو اردویی بود که اهداف و مصالحشان علیه زندگی و مصالح اکثریت قریب به اتفاق مردم کره زمین است. از میان مردم شاید هیچکس از مشاهده صحنه انداختن طناب دار برگردن دیکتاتور مخوف و جنایتکاری همچون صدام خنده بر لبانش ننشست. زیرا همه کس میدید و میدانست که اعدام صدام به معنای ادامه موج کشتار و تروریسم و جنگ دو نیرویی است که در جنگ و صلحشان اکثریت مردم قربانی و مجاله میشوند. با اعدام صدام با شعار الله اکبر و زنده باد مقتدا صدر همه کس میدید که صحنه جهان از یک دیکتاتور خون آشام پاک شده است تا نیروهایی ضد انسانی تر و مرتجع تر و مخوف تر خود را به قدرت و حاکمیت بکشند. و این کشاکش مرگ بار میان نیروهای اسلامی و ناسیونالیست با نیروهای نظم نوینی و هم پیمانان اسلامی و قوم گرای آن ادامه یافت. تنها در عراق گفته میشود که حدود ۲۵ هزار نفر از مردم در این جنگ کشتار شدند. مردمی که در هیچ سوی این جنگ قرار نداشتند. در جبهه ای نبودند. در تلاش خرید نان و دست یافتن به مایحتاج اولیه زندگی در کوچه و خیابان و صفهای طویل نان و کار به نحو جیبی کشتار شدند. کودک و مرد و زن، پیرو جوان بدون هیچ

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سال ۲۰۰۷ و کشاکش ...

افول دو جبهه ارتجاع

وقتی به همه این واقعیات نگاه میکنیم شاهد این هستیم که جهان و زندگی مردم جهان در چنگال دستجات و جبهه های مختلف بورژوازی دارد مچاله میشود. مردم ظاهرا شاهد خاموش کشاکش بالایی ها در رقابت برای سلطه بر زندگی و هستی خودشان هستند.

اما آنچه اینجا میخواهم اشاره کنم اینست که بطور واقعی جبهه انسانیت، جبهه مردم شریف جهان بی تحرك و بی اثر نیست و دارد بر این روند و بر موقعیت قطبهای ضد بشری و ارتجاعی سرمایه داری تاثیر میگذارد. این تحرك انسانی هنوز در سطح بین المللی بروز گسترده ای نیافته است. اما يك واقعیت عینی است. سال ۲۰۰۷ در عین حال آغاز روند افول قطبهای تروریسم اسلامی و نظم نوینی را نیز بروز داد. نوکنسرواتیسم خشن و متعرض سالهای اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست و یکم، اکنون به موضعی دفاعی افتاده است. پرونده نظم نوین جهانی آمریکا دیگر مدتهاست که بسته شده است. چهره های شاخص نوکنسرواتیسم امثال رامز فلد و ولفویتر با آبروبریزی از صحنه خارج شده اند. حتی در خود هیئت حاکمه آمریکا دیگر نه فقط سخنی از پیشروی نیست، بلکه سخن از چگونگی کمتر کردن دامنه شکست این سیاست است. در صحنه سیاسی ایالات متحده آمریکا کنار زدن باند نوکنسرواتیستی از کل سیاست آمریکا يك بحث داغ است. شکست بوش و شرکا در انتخاباتهای آتی آمریکا قطعی است. در بیشتر کشورهای دیگر جهان نیز متحدین سیاستهای نظم نوینی به عقب گرد کشیده شده اند. از سوی دیگر نیروهای اسلام سیاسی در کشورهای اسلام زده زیر علامت سوال بزرگی قرار گرفته اند. اسلامی ها شاهد این هستند که مردم وسیعا دارند از اسلام زده میشوند. مردم در کشورهای مختلف اسلام زده از ناامنی و فضای جنگی و تاثیرات

جنگی ای که به آن پیوند داشت تا اواخر سال با افت و خیز رجزخوانیهای جنگی، موجی از نگرانی و ترس را در میان مردم جهان و بویژه مردم ایران دامن زد. در اوج این فضای جنگی با گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا که علیه سیاست رسمی دولت آمریکا بود، این فضای جنگی از شدت و حدت خود افتاد اما هنوز از پایان آن بهیچ وجه نمیتوان سخن گفت. فضای جنگی همچنان ادامه دارد. دوسوی این کشاکش اهداف و مصالحی را دنبال میکنند که برجای خود باقی است و هر آن به بهانه ای دیگر بر سر خواهد آورد. در فلسطین و منطقه خاورمیانه نیز جنگ و کشتار همین نیروها ادامه یافت و سرزمین کوچک و فقیر و جنگ زده فلسطین به دو قلمرو جداگانه که در یکی سازمان اسلامی حماس حکم میراند و در دیگری سازمان الفتح نفوذ دارد تقسیم شد.

میتوان به صحنه جهان نگاه کرد و پدیده های متعدد دیگری را از زوایای مختلف مشاهده کرد. میتوان به عمیق تر شدن بی سابقه شکاف میان فقیر و غنی در سطح جهان، سلطه شمار کوچکی از غولهای سرمایه بر بخش اعظم منابع ثروت، و افت استانداردهای زندگی مردم در سطح جهان اشاره کرد. میتوان بر گسترش بی سابقه فقر و مرگ از گرسنگی در سطح جهان اشاره کرد. میتوان به کشتار میلیونی مردم فقیر در آفریقا از بیماری ایدز اشاره کرد. میتوان به بازپس گیری دستاوردهای تاریخی کارگران در کشورهای صنعتی توسط سرمایه داران اشاره کرد. همه اینها واقعیات سالی بودند که پشت سر گذاشتیم. اما نگران کننده تر از همه اینها که پرونده های نا هنجار دیگر نیز مستقیما تاثیر میگذارند همان کشاکش و جنگ و تروریسم نیروهای ضد بشری اسلام سیاسی و جبهه نظم نوینی است که سایه شومش را بر زندگی همه مردم جهان گسترانده است.

از متحدین آنها را نیز وحشت زده کرد. اکنون برای بخش اعظم جهان روشن است که جامعه بشری برای تداوم و پیشروی خویش راهی ندارد جز اینکه خود را از شر این دو قطبی که اکنون در صحنه سیاسی جهان تاخت و تاز میکنند و جنگ و تروریسم و مرگ و نا امنی را بر بشریت حاکم کرده اند، خلاص کند. میتوان حد زیادی امیدوار بود که سالی که در پیش رو داریم سال افول بسیار بارزتر این هردو قطب و سال پیشروی نیروهای رادیکال و انسانی خواهد بود.

ایران سنگر مهم و محکم انسانیت

بی اغراق ایران امروز جایگاه مهمی در صحنه سیاسی جهان یافته است. به دو دلیل روشن: اول به دلیل وجود جمهوری اسلامی که ستون فقرات اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی همانگونه که تا اینجا اشاره شد و همگان هرروز لمس میکنند يك نیروی شناخته شده جهانی است. و هرکس به اسلام سیاسی فکر میکند بلافاصله جمهوری اسلامی را پیش روی خویش می بیند. وجود حکومتی که از ارتجاع و عقب ماندگی و تروریسم آشکارا دفاع میکند و علیه تمام ارزشها و دستاوردهای پیشرو انسانی است، و در عین حال در يك کشور وسیع و ثروتمند و با موقعیت مهم ژئوپلیتیک قدرت دارد، کل سیاست در ایران را به يك امر جهانی تبدیل کرده است. افت و خیز در اوضاع سیاسی ایران بلافاصله توجه مردم جهان را به خود جلب میکند. این یکی از جنبه های بارزی است که بر موقعیت ویژه ایران تاکید میگذارد. عامل دومی که در ایران مهم است وجود يك جنبش رادیکال، بسیار مدرن و سکولار و بسیار گسترده است که مستقیما با جنبش کمونیسم کارگری پیوند خورده است که خود را يك جنبش جهانی میداند. برای مردم جهان وجود يك جنبش گسترده و میلیونی و سرنگونی طلب هنوز آنطور که واقعیت دارد باورکردنی نیست. با هر تظاهرات و اعتراض گسترده یا اعتصابات

مخرب تروریسم برزندگی خویش دارند خسته میشوند و از این نیروها رویگردان میشوند. شکست حماس از الفتح تنها يك بارقه از يك واقعیت بسیار بزرگتر و جهانی تر است. مهمتر از همه اینها صحنه سیاسی ایران است که يك جنبش گسترده و بسیار شفاف و روشن و میلیونی علیه حکومت اسلامی که ستون فقرات اسلام سیاسی است شکل گرفته است و هرروز پیشروی های بیشتری را از خود بروز میدهد. انزجار مردم از جمهوری اسلامی و موقعیت شکننده آن در میان مردم بر سرنوشت کل اسلام سیاسی تاثیر گذاشته و با پیشروی مردم علیه حکومت اسلامی، کل اسلام سیاسی را به قهقرا خواهد کشاند. آنچه روشن است اینست که در يك سال گذشته کشاکش نیروهای "نظم نوینی" و اسلام سیاسی به هیچ پیشروی و پیروزی سیاسی ای برای هیچکدام از آنها همراه نبوده است. بلکه برعکس هر دو این دوسوی کشاکش دستخوش عقبگردهای محسوسی شده اند. اگر کسی بخواهد امروز وجود جبهه سوم یعنی جبهه رادیکال و انسان دوست و ضد ارتجاعی یعنی جبهه میلیونی مردم را احساس کند، باید آنرا در عقب گرد و تضعیف دشمنان مردم ببیند. این آغاز روندی است که میتوان امیدوار بود که با دخالتگری فعالتر جبهه رادیکال و سوسیالیستی و مردمی، به زودی سرعت بیشتری به خود بگیرد.

اسلام سیاسی علیرغم ادامه تروریسم و جنایتهایش میتوان مطمئن بود که هیچ شانس ندارد که قدرت سیاسی را در هیچ کشوری بگیرد. و قطب مقابل آن یعنی قطب افراطی بورژوازی غرب که تا اینجا نوکنسرواتیسمهای آمریکا آنرا نمایندگی کرده نیز به سرعت از صحنه خارج خواهد شد و به حاشیه رانده میشود. این دو نیرو طی ده سال گذشته تهدید عقب گردی ناپود کننده را بالای سر بشریت قرار دادند. سناریوی شومی که این ها در برابر بشریت گشودند نه فقط کارگران و مردم محروم را بیش از پیش علیه آنها بسیج کرد، بلکه حتی بخشهایی

دانشجویان و کارگران و معلمان و امثال آن بسیاری از مردم جهان حیرت زده میشوند. زیرا این جنبشها با تصویری که رسانه های رسمی غرب از مردم ایران به آنها میدهند فضای کاملا متفاوتی را بیان میکند.

یکی از عواملی که شکست سیاستهای هردو قطب ارتجاعی اسلام سیاسی و "نظم نوینی" را میتواند تضمین کند، پیشروی و پیروزی همین جنبش است. این جنبشی است که در سطح جهان نیز اکنون چهره های شناخته شده ای دارد. جنبش علیه اعدام و علیه مذهب و جنبش سکولار اکنون با چهره هایی نظیر مینا احدی و مریم نمازی شناخته میشود.

پیشروی جنبش اعتراضی و چپ و سرنگونی طلبی در ایران علیه جمهوری اسلامی بر فضای عمومی جهان بلافاصله تاثیرات خویش را میگذارد. تا همینجا هر تحرك و هر تظاهرات و اعتراض گسترده مردم در ایران علیه جمهوری اسلامی، ضربه محکمی بر موقعیت اسلام سیاسی در کل کشورهای اسلام زده وارد کرده است. انزوی جمهوری اسلامی در میان مردم، و بروز اعتراضات مردمی علیه این حکومت در شهرهای ایران، جهان را هرروز بیش از پیش متوجه شکننده بودن موقعیت جمهوری اسلامی مینماید. از سوی دیگر چپ بودن و رادیکالیسم جنبش اعتراضی در ایران، جایی برای مانور نیروهای نظم نوینی در ایران باقی نمیگذارد. این واقعیت جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبی در ایران است. این جنبشی است که افول قطبهای ارتجاعی در سطح جهان را سرعت خواهد بخشید و بدلیل ویژگی خویش و موقعیت بین المللی سیاست در ایران، بعنوان نماینده شکست دوقطب ارتجاع در سطح بین المللی قد علم خواهد کرد. با هوشیاری و پیشروی این جنبش و جنبش انسانی در سطح جهان میتوان امیدوار بود که سالی که در پیش رو داریم سال شکستها و عقب گردهای بارزتر دو قطب ارتجاع خواهد بود. *

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

پیش بسوی صدمین سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن! رژیم آپارتاید جنسی محکوم است!

از هرگونه نابرابری زن و مرد، از رژیم آپارتاید جنسی و از تحقیر و توهین و لگدمال کردن حقوق انسانی زنان تبدیل کنیم.

رژیم آپارتاید جنسی محکوم است
کلیه قوانین ضدزن باید ملغی شود
زنده باد صدمین سالگرد
هشت مارس،
زنده باد برابری کامل زن و مرد
"علیه تبعیض"،
سازمان دفاع از حقوق زن
۱۲ دیماه ۱۳۸۶، ۲ ژانویه ۲۰۰۸

مخالفین دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش و از همه نهادها و سازمانهای مترقی و مدافع حقوق زن را فرامیخوانیم که به همراه ما در همه جا اعلام کنند که حقوق زن جهانشمول است، مذهب امری خصوصی است، رژیم آپارتاید جنسی در ایران محکوم است و همانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی باید بساط خود را جمع کند.
به جنبش جهانی علیه آپارتاید جنسی پیوندید تا صدمین سالگرد هشت مارس را به روز اعلام انزجار

جمهوری اسلامی ایران سر به میلهونها نفر در سال میزند، ابعاد گسترده این مبارزه را نشان میدهد. همه جا از خیابان و مدرسه و دانشگاه تا محل کار و میادین ورزشی صحنه مبارزه هرروزه زنان و مردم معترض علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران است.
بیانید تا ۸ مارس امسال را به روز اعلام همبستگی با زنان و مردم آزادیخواه علیه حکومت آپارتاید جنسی در ایران تبدیل کنیم.
همه مردم مترقی دنیا، از

همه عرصه های زندگی، تحمیل بی حقوقی کامل به زنان، تحمیل حجاب اجباری به آنان و تحقیر روزانه آنان، شاخص حکومت ضد زن اسلامی است. اما سالهای سال است که بر علیه این حکومت و بر علیه قوانین ضد زن اسلامی، جنبشی عظیم و عمومی در جریان است. زنان و مردان و بویژه جوانان روزانه و در ابعاد میلیونی بر علیه این قوانین و سنتهای ضدبشری مبارزه میکنند. وسعت دستگیری، شلاق زدن و جرمه کردن و تهدید زنان که بنا به آمار

هشت مارس روز جهانی زن از راه میسرند. زنان و مردان آزادیخواه دسراسر جهان، امسال به استقبال صدمین سالگرد هشت مارس میروند. در ایران زنان و مردان مترقی و معترض به قوانین و سنتهای ضد زن اسلامی، خود را برای برگزاری باشکوه هشت مارس آماده میکنند.
در ایران سه دهه است که حکومت اسلامی، یک آپارتاید جنسی کامل را به مردم ایران تحمیل کرده است. جداسازی زن و مرد در

از صفحه ۱ درب زندانها را باید گشود...

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای آزادی دانشجویان دستگیر شده، محمود صالحی و منصور اسانلو یعنی مبارزه برای حق تشکّل، حق برابری، یعنی مبارزه برای آزادی و این رژیم. امروز این کارگران، معلمان، دانشجویان و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب هستند که بخاطر مبارزه برای خواستهای برحق خود در زندانند. این زنان معترض هستند که علیه قوانین ارتجاعی اسلامی ایستاده اند و مبارزه میکنند و به اسارت کشیده میشوند و این جوانان هستند که برای یک زندگی شاد و انسانی مبارزه میکنند و دستگیر و زندانی میشوند. مبارزه برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی یعنی گرفتن این ابزار سرکوب از دست رژیم. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، باید به شعار هر روزه هر حرکت و اعتراضی تبدیل شود و برای آن متحد و متشکل شد.
امروز ما با یک جنبش بالنده برای آزادی زندانیان سیاسی رویرویم. امروز بهترین فرصت برای حرکت به سمت باز کردن درب زندانها و آزادی تمامی زندانیان سیاسی است. باید برای این امر مهم قدرتمند و متحد خیز برداشت. *

مختلف بلند میشود. میتوان به روشنی دید که این چه است که در روز جهانی کودک از به زیر کشیدن این جهان وارونه سخن میگویند، در اعتراضات معلمان با شعار معیشت منزلت حق مسلم ماست، سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض سخن میگویند و در خاوران با مشت های گره کرده سرود انترناسیونال سر میدهند. و میبینیم که از اشبع این چه و این بار تحت عنوان کمونیست کارگری ها دارند سخن میگویند.
رژیم برای اینکه این چه را عقب براند، دانشجویانی را که امروز به اسم چه با جسارت جلو آمدند و آزادیخواهی را فریاد زدند دستگیر میکنند. اما میتوان دید که با این کار خود تا همین جا بهای زیادی پرداخت کرده است. اینهم بخش مهم دیگری از حقیقتی است که امروز ما شاهدش هستیم. بعبارت روشنتر دستگیری دانشجویان چه توسط رژیم اسلامی یعنی تلاش رژیم برای عقب زدن این جنبش قدرتمندی که کل جامعه را فرا گرفته است و دارد آزادی، برابری، هویت انسانی را فریاد میزنند. و پرچم آنرا دانشجویان با شعار یا سوسیالیسم یا بربریت، زنده باد انقلاب سوسیالیستی بلند کردند. باید با صفی قدرتمند و متحد این تلاش را عقب زد و در هم شکست.

برای آزادی این دو فعال کارگری کاری کنیم که رژیم تاب پرداخت هزینه بیشتری برای آنرا نداشته باشد و ادا را به عقب نشینی شود.
آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو بدون شک توازن قوا را به نفع جنبش کارگری و کل جامعه تغییر میدهد و آزادی آنها باید به خواست اول هر حرکت و اعتراضی در جامعه تبدیل شود. بویژه امروز محمود صالحی جانش در خطر است. پزشکی قانونی علیه وضع و خیم جسمی محمود صالحی، رای به ماندن او در زندان داده است و این خود سندی گویاست برای اینکه صدای اعتراض خود را به این رای بلند کنیم و از جهانیان بخواهیم که جنایتکار محکوم کنند و اعتراضی جهانی حول این جنایت آشکار شکل دهیم.
از سوی دیگر همانطور که اشاره کردم مساله دستگیری وسیع دانشجویان چه و کمونیست است. اینجا نیز واقعیت مهمی که در مقابل ما قرار میگیرد اینست که امروز چه یک جنبش اجتماعی وسیع است. امروز چه را در همه عرصه های مبارزه در جامعه میتوان دید که دارد قدرتمند جلو می آید. امروز آشکارا میتوان دید که این شعارها و پلاکاردهای چه است که در هشت مارس ها، اول مه ها و شانزده آذرها و در مناسبت های

تبدیل شده اند. در زندان نگاهداشتن محمود صالحی و منصور اسانلو بعنوان دو چهره سرشناس جنبش کارگری در واقع تلاشی از سوی جمهوری اسلامی برای کمزنگ نشان دادن این دستاوردها و باز پس گرفتن این پیشروی ها از سوی رژیم است. محمود صالحی و منصور اسانلو اکنون برای رژیم معنایی سمبولیک پیدا کرده اند که رژیم عملا برای زندان نگاهداشتن آنها دارد بهای سنگینی میپردازد، اما حاضر به آزاد کردنشان نمیشود. در زندان نگاهداشتن محمود صالحی و منصور اسانلو یعنی نه به حق تشکّل، نه به حق اعتصاب، نه به حق برپایی اول ماه مه و همه حقوقی که امروز عملا کارگران با مبارزاتشان دارند آنرا تحمیل میکنند و نقطه اوج آنرا در یازده روز اعتصاب با شکوه ۵ هزار کارگر نیشکر هفته تپه و بیابنه ۶ ماده ای آنها که در آن بر مجمع عمومی بعنوان حق مسلم خود تاکید گذاشته بودند، میتوان دید.
از همین رو مبارزه برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو یعنی در هم شکستن این تلاش از سوی رژیم و تثبیت پیشروی های جنبش کارگری. باید این مبارزه را هر چه فشرده تر و قدرتمند تر به پیش برد. باید با مبارزات خود

از سوی دیگری ببینیم که در آستانه شانزده آذر رژیم دست به دستگیری دانشجویان میزند و بعد از برپایی مراسم شانزده آذر دانشجویان چه و رادیکال را دستگیر و زندانی میکند و امروز علیه این که این دستگیریها بهای سنگینی برای رژیم پیدا کرده است، علیه رژیم اعتراض هر روزه در دانشگاه ها و گسترش دامنه آن به سطح جامعه و سطح جهانی و تبدیل شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد به شعار هر حرکت و اعتراضی در جامعه، کشاکش برای آزادی این دانشجویان ادامه دارد. وضعیت از چه قرار است؟
با نگاهی عمیقتر به این واقعیات، میتوان استیصال رژیم را آشکارا دید. واقعیت اینست که جنبش کارگری در ایران گامهای مهمی به جلو برداشته است. نقطه عطفی را پشت سر گذاشته است و امروز به وزنه ای تعیین کننده در تحولات سیاسی تبدیل شده است. ما شاهد این هستیم که کارگران علیه رژیم محرومیت از حق اعتصاب و حق تشکّل، هر روزه دست به اعتصاب و مبارزه میزنند و رهبران کارگری با اسم و مشخصات خود جلوی صحنه قرار دارند و بعضا حتی در سطح جهانی به چهره های شناخته شده

سوسیالیسم بپا خیز!

برای رفع تبعیض

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ به حزب کمونیست کارگری...

اگر به شکست طلبی نیاز داشتند که با هزینه کردن خودشان و فرزندانشان زیر فشار یکی از سیاه‌ترین حکومت‌های هار معاصر بیرون نمی‌آمدند. برای شکست طلبی کسی محتاج داشتن حزب و سازمان نیست. احدی برای سیاست عدم تغییر وضع موجود و تمکین به آن، زندگی‌اش را صرف نمی‌کند، قهرمانی نمی‌کند، فداکاری نمی‌کند. من به حزبی احتیاج دارم که همانقدر که به تئوری نیاز دارد، به تعقل و تفکر نیاز دارد، به شور جوانی و قهرمانی بلشویک‌های صفوفش نیز محتاج است. به حزبی که سیستمش طوری است که نسل جوان در آن امکان بلند پروازی داشته باشند به جای اینکه مدام پرهایشان را قیچی کنند. با شکست طلبی و سازش جلوشان را بگیرند. حزب کمونیست کارگری حزبی است که در آن انقلابی بودن، سوسیالیست بودن، متفکر و بلند پرواز بودن همانقدر مد هست که میلیتانت بودن و نیاز به پیشروی!

- به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم برای اینکه جهت پیشبرد مبارزه قاطع خود علیه سرنگونی نظام، به حزبی محتاجم که مطمئن باشم نباید رفت و تازه برای ضرورت پیگیری بودن و سازش ناپذیر بودن علیه نظام، رهبری‌اش را متقاعد کرد! حزب کمونیست کارگری از زمان پیدایشش تا به حال ممکن است این یا آن اشتباه تاکتیکی و تحلیلی را کرده باشد، اشتباه را کسی می‌کند که کاری می‌کند! اما برای امثال من یک چیز اصل است. حزب کمونیست کارگری از زمان پیدایشش تا بحال از نه گفتن به نظام اسلامی مطلقاً کوتاه نیامده است. این یک شاخص سیاسی و اجتماعی مهم است. حزبی که هیچ‌گاه، هیچ‌زمان، از نمایندگی نه مردم به این نظام کوتاه نیامده است. حزبی که به هیچ‌بانه‌ای، جنگ یا صلح، سناریوی سیاه یا سفید، دوم خرداد یا پس از دوم خرداد... هیچ‌زمان و هرگز، حتی شائبه و تصور این را در ته ته ذهن احدی هم بوجود نیاورده است که سازش پذیر است! که اهل کوتاه آمدن است! که اهل فروختن است! این مهم است. برای ما که می‌خواهیم در کنار هم و دست در دست هم با یک دشمنی بکنیم که تا دندان مسلح است مهم است. جنگجویان این حزب باید مطمئن باشند وقتی در حال جنگند از پشت نمی‌خورند. از پشت سرشان معامله نمی‌شود! نه تا به آخر به نظام تضمین قرص بودن سنگر است. من برای این

قرص بودن سنگرهایش به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم. برای اطمینان از این پیگیری بودن به این حزب می‌پیوندم. برای جنگ عظیمی که طبقه ما علیه تروریسم اسلامی دارد، کمونیست‌ها، زنان و فعالین کارگری، جوانان و ضد دینها، مدافعین حقوق کودک و تلاشگران ضد اعدام... به این سرسختی و میلیتانتیسم محتاجند. به این دل قرصی و پشتگرمی محتاجند. مردم باید مطمئن باشند حزبی وجود دارد که رهبری‌اش تا به آخر و صد در صدی است. اگر نه، شمار احزاب و کلوپهایی که روزمره فی‌لشان یاد هندوستان کرده با این یا آن جناح نظام، با این یا آن دسته از دشمنان‌شان کارگران و مردم کنار بیایند زیاد است. مردم ما به حزبی نیاز دارند که سرسخت است. پیگیری است. روزی ده بار حرفش را عوض نمی‌کند. سر حرف ۳۰ سال پیش خود ایستاده است که رهبر ۲۶ ساله‌اش گفت این نظام باید برود! به این حزب می‌پیوندم برای اینکه امکان این را فراهم کرده است که برای پیوستن به آن خاطر افراد از این بابت جمع باشد. و این مهم است!

- به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم برای اینکه به حزبی منسجم و متفق‌القول نیاز دارم نه به کلوپهای تمرین دمکراسی و تکثر و تعدد. اینها نمایش آزادیخواهی اند نه خودش! ریاکاری محضند! اینها کیسه بوکس دمکراسی بازارد نه حزب طبقه کارگر و انقلابیون کمونیست! آزادیخواهی اصیل، جنگیدن جهت استقرار سوسیالیسم است. این جنگ به یک ارتش منظم، متحد و منسجم و با دیسیپلین نیاز دارد، نه به انجمن تمرین دمکراسی و لایذ حقوق بشر! من در حزب کمونیست کارگری ظرفیت تحقق این آرزوی خود را می‌بینم. برای همین به این حزب می‌پیوندم. از نظر من خود متحد بودن و منسجم بودن، مردم ایران را صدا می‌زند و جلبشان می‌کند. خود مصمم بودن نیرو به این حزب می‌آورد. از نظر من متحد بودن ما جلو مردم منشاء امید است نه هرکی هر کی بودن، تعدد نظر و تکثر سیاست و پشت به همدیگر جلو مردم حرف زدن و نمایش دمکراسی و حقوق بشر! رهبری منسجم و متمرکز حزب کمونیستی و کارگری دل مردم ایران را قرص می‌کند نه ادعاهای نیم بند و نمایشات دمکراتیک که کمونیسم را مادام العمری بدهکار دمکراسی می‌داند. نه رهبری غیر متحد و پراکنده و رقابتی! من این صمیمیت را در رهبری حزب کمونیست کارگری می‌بینم. در همین ماههای اخیر آن را

تست کرده ام. از نزدیک، با تجربه و با وسواس به آن نگاه کرده ام. من این پروفیل را در رهبری این حزب می‌بینم. همین پروفیل به او این امکان را می‌دهد که حتی نقائصش را به سرعت برطرف کند. از نظر من تئوری‌تحرز کمونیست‌ها فقط و تنها می‌تواند همین الگوی کمونیستی کارگری باشد. تجربه‌های دیگر، الگوهای دیگر نه فقط در نظر، در عمل هم شکست خوردند، ریاکاریشان برمال شده است. به نظر من شاخص بورژواها، روشنفکران طبقه متوسط برای پیوستن به احزاب سیاسی با فعالین کارگری، حقوق زن، کمونیست‌ها، آزادیخواهان و... متفاوت است. سواي سیاست و خط مشی، آنها شاخصان تمرین دمکراسی این احزاب است. چون جنگی با طبقه حاکم ندارند که به حزب منسجم نیاز داشته باشد. ما بر عکسیم. امثال ما را اتحاد نظری و سیاسی، انسجام و تمرکز و هم قول بودن رهبران، نظم و دیسیپلین، حریت و احترام به هم جلب و جذب می‌کند. من برای همین ظرفیت و تقویت و پر بنیة کردن آن به این حزب می‌پیوندم.

- به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم برای اینکه احساس غرور می‌کنم. با افتخار می‌پیوندم. خود این احساس غرور و افتخار نیز خلاف جریان است. خلاف آن جریانی که تلاش کرد احساس ندامت و شکست و پشیمانی را در صفوف ما کمونیست‌های کارگری رواج بدهد. به یمن وجود حزب کمونیست کارگری نگرفت، شکست خورد! و این یک تفاوت مهم سیاسی و اجتماعی است. منبع الهام خود من در تمامی طول این سالها تعلق به کمونیسمی است که منصور حکمت بنیان آن را گذاشته است و وفاداری به این مارکسیسم در هر سنگری که بوده‌ام برای من اصل بوده است. با غرور و افتخار از این تلاش خودم در همه این سالها دفاع می‌کنم. با ملحق شدن می‌خواهم حزب کمونیست کارگری را صاحب تلاش و مبارزه خود برای شکست دادن قطعی خط شکست و سازش و وسط نشینی فرصت طلبانه در ماههای اخیر بکنم. تلاشی که حزب کمونیست کارگری بر علیه شکست طلبی و سازش پرچم آن را بلند و در تداوم آن در ماههای اخیر، نقطه پایانی غرور انگیز روی آن گذاشته شد. پروسه الحاق من به حزب کمونیست کارگری نه یک پروسه فرقه‌ای، یا غیر اجتماعی، پشت صحنه یا بی ارتباط به مبارزه سیاسی، معادل گیرانه یا حساب ورزی است. این پروسه شفاف است. شجاعانه است. از هر دو طرف به شدت قابل دفاع و افتخار است! این پروسه

الگوی همه کمونیست‌هایی است که به هر دلیل و به هر جهت پیمودن راهی مشابه را در سر دارند!

- به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم برای اینکه راه همه کمونیست‌ها و انقلابیونی را که به هر دلیل و به هر جهتی از خانه اصلی خود بلور افتاده اند باز کنم. الگوی جلو پای آنها بگذارم. نیروهای کمونیست کارگری مجبور نیستند خانه بنشینند. مجبور نیستند طعمه لفاظیهای شکست طلبانه راست یا اپورتونیستی حاشیه نشینان وسط بشوند. با این قدم راه همه کسانی را که به آشیانه هایشان باز میگردند هموار می‌کنم. خود نفس الگوی با غرور این پروسه که ما طی کردیم و تفاوتش با پرونده‌های ندامت طلبانه ماههای گذشته که به سازش طلبی و شکست ختم شد، گواه حقانیت ماست. ما به هر درجه‌ای که نزدیکتر شدیم قویتر شدیم. الان احدی جلودار ما نیست. آنها که با ندامت رفتند، به شکست، نومیدی و یاس و انفعال و پراکندگی رسیدند. حتی دیگر صاحب تاریخ زندگی خودشان هم نیستند. آن هم درست در بزنگاهی که جوانان طبقه ما با بیقر سوسیالیسم بیرون آمده اند! این تفاوت خود عامل انتخابهای بزرگ است. من امکان این انتخاب را ولو با یک قدم کوچک ولی مهم، بیشتر از پیش فراهم می‌کنم.

- به حزب کمونیست کارگری ملحق میشوم برای اینکه در مبارزه خود علیه نظام به رادیکالیسم و انقلابیگری نهاده شده در این حزب محتاجم. آدم کمونیست نمیتواند زیر سقفی تلاش کند که قبل از جنگیدن با نظام، راست پرو غرب، ناسیونالیست‌ها و قوم پرستان، دوم خردادیها و طرفداران اسلام ناب محمدی و دشمنان رنگارنگ مردم، تازه باید به بغل دست خود، به همسنگرش اثبات کند که سوسیالیسم شدنی است! سرنگونی نظام شدنی است! مردم شکست نخورده اند! مستاصل نشده اند. مبلغ این باشد که در سناریوی سیاه عواطفشان فرو نرود! این وقت تلف کردن است آن هم در یک جامعه توفانی! این سرگرم کردن کمونیست‌هایی است که آمده بودند علیه نظام بچنگند، ۴ سال است شکست طلبی و یاس و شکست مانع بلند پروازی‌شان شده، ضربه گیر نفریشان علیه دشمن شده است. ما و مردم به این رادیکالیسم و انقلابیگری در صف و جبهه خودمان محتاجیم. باید حق داشته باشیم در صف خودمان دیگر نقشه علیه دشمن بریزیم به جای اینکه وارفته‌های صف دشمن را در درون خود باد بزیم! ما روزمره باید عملاً نشان بدهیم که جهان بهتری ممکن است. نه اینکه ارتعاش صدای

بورژوازی در صف اعتصاب کارگری باشیم که خودش مایوس شده، مردم را هزینه می‌کند و به گردن آنها می‌اندازد. و راستش این دیگر از کتاب و مقاله و بحث در نمی‌آید. یا حزب سیاسی این انقلابیگری را دارد که ریشه آن در تقابل اردوی کار با سرمایه است، یا ندارد و زورکی نمی‌شود به آن تزریق کرد! حزب کمونیست کارگری این انقلابیگری را در ریشه و تار و پود خود دارد. برای همین من به این حزب می‌پیوندم!

- به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم برای اینکه الحاق من به این حزب منع عظیم انرژی، علاقه و توانایی خود مرا آزاد می‌کند. این اولین اعلامیه تبلیغی من جهت تشویق سایرین برای پیوستن به صفوف یک حزب کمونیستی اصیل در این چند ساله است. اولین تلاش رو به بیرون، بعد از سالها صرف کردن وقت و انرژی در درون، برای عضو گرفتن بقیه در صف خط و سیاست کمونیستی است که اسمش روی سر در خانه شان اویزان است! احساس بسیار قشنگی است که کمونیستی بتواند با افتخار دیگران را به پیوستن به صف حزنش دعوت و ترغیب کند! این فراخوانی است برای کمونیست‌هایی که مدتهاست محرومیت داشتن این احساس را می‌کنند! حتی نمی‌توانند به آدم‌های دور و بر خودشان بگویند بیا مثل من، به این صف بپیوند!

- به حزب کمونیست کارگری می‌پیوندم برای اینکه نیرو، انرژی و مبارزه خود را به نیرو، انرژی و امید و تفکر و تعقل کمونیست‌های این حزب ملحق کنم. به این حزب می‌پیوندم برای اینکه این سرچشمه عظیم عشق و امید و عزت را به خود ملحق کنم. ما کمونیست‌ها برای مبارزه با کل بورژوازی و دشمنان طبقه کارگر و مردم به تئوری، سیاست، استراتژی، سازمان و تشکل پیچیده و هوشمند، نیاز داریم. علاوه بر همه اینها به پشتیبانی و همبستگی و اتحاد و انسجام، عشق و امید و شادی به هم تنیده هم محتاجیم. این دنیا بدون وجود ما دنیایی سرد و سیاه است. حزب کمونیست کارگری سقف و خانه همه کمونیست‌ها، مبارزین و تلاشگرانی است که به گرما، عشق و امید آن محتاجند!

زنده باد منصور حکمت عزیزم!
رهبر شایسته و لایق
جنبش کمونیسم کارگری!
سلام و درود بر حزب کمونیست کارگری!
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم و انقلاب کارگری!
مهرنوش موسوی
سوم ژانویه ۲۰۰۸

از صفحه ۱ شکاف بالا در مقابل بد حجابی ...

شش ماه اول سال در سراسر کشور چند میلیون نفر به جرم عدم رعایت حجاب و سایر مقررات اسلامی دستگیر شده یا مورد بازجویی و توهین و اذیت و آزار قرار گرفته اند. این آمار قبل از هرچیز ابعاد مقاومت و مبارزه زنان و جوانان را در برابر حکومت نشان میدهد. گستردگی این مبارزه است که در چند روز گذشته مقامات مختلف حکومت را به جان هم انداخته است. غلامحسین الهام سخنگوی دولت رسماً در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که دولت مسئولیتی در این زمینه ندارد و حسین اشتری فرمانده امنیت عمومی نیروی انتظامی دست به افشاکاری زد و گفت: "طرح ارتقاء امنیت اجتماعی با هماهنگی کامل همه مراجع قضایی و اجرایی انجام شده و ادامه می یابد و دستور اجرای آن از سوی محمود احمدی نژاد به نیروی انتظامی ابلاغ شده است." محسن اسماعیلی از اعضای شورای نگهبان نیز صراحتاً ادعای مخالفت دولت با طرح امنیت اجتماعی را

انتخاباتی" دانست و مورد سرزنش قرار داد. این گوشه ای از بالا گرفتن دعوا در میان مقامات حکومت است که تا مغز استخوان آن رخنه کرده است. صرفنظر از اینکه مضحکه انتخابات چه تاثیری در این عقب نشینی ها و تبری جستن از گناه داشته باشد، یک چیز روشن است و آن اینکه زنان و جوانان نه تنها عقب نشستند و اسلامی تر و با حجاب تر و "عفیف" تر نشدند بلکه در ابعادی که گوشه ای از آن برشمرده شد به مقابله با رژیم و عواملش برخاستند. تجمع اعتراضی مردم در شیراز و مقابله آنها با لباس شخصی ها و نیروهای انتظامی در روزهای گذشته تنها یکی از نمونه های این اعتراض و مقاومت توده ای در برابر این طرح بوده است. هم آمار دستگیریهها و ضرب و شتم ها و هم بالا گرفتن دعوا در بالا بر سر سرکوب زنان و جوانان، اذعان به این حقیقت است که مردم، زنان و جوانان سر تسلیم فرود نیاورده و در

کوچه و خیابان و همه جا در حال مقاومت و دهن کجی به اسلام و قانون و ماموران حکومت بوده اند. فرماندهان احمق نیروهای انتظامی رژیم، این تعداد دستگیری و تعداد بیشمار زندان های خود را شاید نشانه عظمت و توان حکومت بدانند، اما سران رژیم و عاقل ترهایشان بخوبی میدانند که این پاشنه آشیل آنها و نقطه قوت جنبش سرنگونی است. سران رژیم بخوبی میدانند که نسل جوان را که در همه عرصه ها در حال مبارزه برای خلاصی فرهنگی و رهایی از حجاب و مقررات اسلامی است، نمیتوانند شکست بدهند. سه دهه است که پیشروی این نسل را بطور تصاعدی میبینند و علیرغم همه طرح های سرکوب میبینند که راه به جایی نبرده اند. اینها زنان و جوانانی بوده اند که با شجاعت، با دست خالی و اغلب به شکل انفرادی، در مقابل انواع اوباش سازمان یافته مسلح حکومت که قانون و زندان و کل دولت هم آنها را همراهی میکند، سینه سپر کرده اند و جواب آنها را داده اند. این جنبشی است که عمرش به قدمت عمر رژیم است.

۲۹ سال است به شنیع ترین وجه سرکوب میشود و سر فرود نمی آورد. این جنبشی است که تاکنون درسهای خوبی به مقامات حکومت و فرماندهانشان داده است. حضور دختران و پسران جوان کم حجاب در پوستره های انتخاباتی دو سال قبل و رفسنجانی، یکی از اصلی ترین مهره های بنیانگذار و حافظ جمهوری اسلامی، یکی از این موارد بود!

این گوشه ای از جنبش سرنگونی طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران است. جنبشی که یک سر آن در کارخانه ها، سر دیگر آن در میان معلمان، یک سرش در دانشگاه ها و سر دیگرش در خیابانها است. جنبشی که هرروز به چپ میچرخد و بر تارکش سوسیالیسم و آزادی و برابری نوشته شده است. بگذار حتی کسانی در میان اپوزیسیون این جنبش را شکست خورده تلقی کنند و طرحهای شکست طلبانه در مقابلش قرار دهند. اینها ابعاد این جنبش را نشان داده اند. این جنبش نه تنها بیشترین شکاف را در

بالاترین سطوح حکومت ایجاد کرده است بلکه گهگاه چرت این بخش از اپوزیسیون را نیز پاره میکند و قطعنامه ها و مصوباتشان را بی اعتبار و کهنه میکند. ما بارها اعلام کرده ایم که رژیم توان سرکوب یک جنبش توده ای گسترده را ندارد. رژیمی با مجموعه ای بحران عمیق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، در سطح جهانی منزوی و سوار بر دریائی از خشم و انزجار توده ای قادر به شکست دادن این جنبش نیست. برعکس این جنبش است که دائماً بالائی ها را به جان هم می اندازد، مرعوبشان میکند، عقبشان میراند و توان سرکوب گسترده را از آنها میگیرد. اختلاف مقامات و ارگانهای مختلف سرکوب در مورد طرح امنیت اجتماعی و مقابله با بدحجابی، راه پیشروی مبارزه علیه این طرح و علیه کل این رژیم را هموارتر میکند. سازمان دهی این مبارزه میلیونی و گسترده وظیفه مبرم فعالین مدافع حقوق زن، آزادیخواهان و کمونیست های کارگری است. *

تهدید دانشجویان توسط کمیته های انضباطی ربا اعتراض گسترده پاسخ دهیم

برای قطعی نکردن حکم تینا شروطنی از جمله عدم خبر رسانی در مورد حکمش، رعایت کامل پوشش اسلامی و استفاده نکردن از لوازم آرایشی و قطع فعالیت در دانشگاه مطرح کرده است. کمیته های انضباطی از وحشت گسترش اعتراضات دانشجویی دست به تهدید و تحقیر دانشجویان می زنند، و نمی توانند مستقیماً و مانند گذشته در دانشگاه قمه چرخانی کنند. این عقب نشینی کمیته های انضباطی حاصل پیشروی اعتراضات دانشجویی ست. نباید هیچکدام از شروط کمیته های انضباطی را پذیرفت. دانشجویان باید با تعرض و برپایی اعتراضات هرچه گسترده تر، متحدانه تر و رادیکال به کمیته های انضباطی و سایر نهاد های سرکوب تو دهنی بزنند و بساطشان را از دانشگاه جمع کنند.

اخیراً کمیته های انضباطی دانشگاه ها تعداد زیادی از دانشجویان را احضار، تهدید و برای تعدادی شان احکام انضباطی صادر کرده اند. ۷ نفر از دانشجویان دانشگاه کرمان به دلیل برگزاری جشنی در دانشگاه مجموعاً به ۱۴ ترم تعلیق از تحصیل محکوم شده اند. احکام صادره برای این دانشجویان به سفارش نهادهای امنیتی خارج دانشگاه صورت گرفته است. ۱۰ دانشجوی دانشگاه بوعلی همدان هم به نام های امین نظری، سیاوش حاتم، رضا جعفریان، پوریا شریفیان، ساسان منبری، سیروس محمدی، وهاب کریمی نژاد، مهدی جمالوند، محمد صیادی و فاطمه معصومی به دلیل قهالیت های دانشجویی در آذر ماه سال جاری برای چندمین بار به کمیته انضباطی احضار و تهدید شده اند.

سازمان جوانان کمونیست از همه دانشجویان می خواهد در مقابل تهدید و احکام صادره کمیته های انضباطی برای دوستان مان اعتراض کنند و اجازه ندهند هیچ دانشجویی

تینا حسینی دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد نیز به یک ترم تعلیق از تحصیل محکوم شد. البته حکم تینا به صورت شفاهی به پدرش اعلام شده است. کمیته انضباطی

رئیس دانشگاه اصفهان عقب نشست! دانشجویان به اعتصاب غذا پایان میدهند.

طبق آخرین خبری که در وبلاگ گروهی دانشجویان دانشگاه اصفهان منتشر شده است: رامشت ریاست دانشگاه اصفهان ناگزیر شده است که در دیدار با هیاتی مرکب از شش نفر از حامیان اعتصاب غذا کنندگان که به یک راهپیمایی اعتراضی دست زده بودند، و پس از آن در دیدار با اعتصاب غذا کنندگان قول بدهد احکام صادره کمیته انضباطی تجدید نظر و لغو شوند. او اعلام کرده که برای تشکیل شورای صنفی و سایر تشکل ها و بازگشایی نشریات دانشجویی پس از طی مراحل مورد نیاز همکاری های لازم انجام خواهد شد. بنا به خبر این وبلاگ در نهایت اعتصاب غذا کنندگان با استناد به قول رئیس دانشگاه و درخواست دانشجویان دانشگاه اصفهان تصمیم گرفته اند روز دوشنبه ۱۰ دی ماه ۸۶ و در هشتمین روز اعتصاب به

اعتصاب غذای خود در حضور جمعی از دانشجویان در ساعت ۱۰:۴۵ دقیقه پایان دهند. سازمان جوانان کمونیست از این تصمیم اعتصاب غذا کنندگان استقبال میکند و تحمیل این عقب نشینی به ریاست دانشگاه اصفهان که در واقع یک لپن اسلامی به تمام معنی است را به همه دانشجویان تبریک میگوید. چنانکه در اطلاعیه قبلی سازمان جوانان به اطلاع رسید در روزهای گذشته ۷۰۰ دانشجوی اصفهان در اعتراض به احکام کمیته انضباطی و حمایت از مطالبات دانشجویان متحصن دست به تجمع اعتراضی زدند. رئیس دانشگاه از وحشت گسترش اعتراضات دانشجویان، قول داده احکام کمیته انضباطی لغو و به دیگر خواست های دانشجویان رسیدگی کند. دانشجویان با اعتراض خود و حمایت از مطالبات دانشجویان متحصن که خواست همه آنان بود موفق شدند مسئولین دانشگاه را وادار به

عقب نشینی و پس گیری تعرض به حقوق اولیه خود کنند. سازمان جوانان کمونیست همچنان که بارها یادآور شده اعتصاب غذا را شیوه مناسبی برای ابراز اعتراض نمیداند و خواهان ادامه اعتراض به شیوه دیگری از جانب دانشجویان شده بود. اکنون با پایان اعتصاب غذا و باید از عقب نشینی رئیس دانشگاه هشیارانه استفاده کرد. دانشجویان دانشگاه اصفهان باید از این تجربه متشکل تر و منسجم تر بیرون بیایند و اعتراضات خود را تا رسیدن به همه خواسته های شان و نیز حمایت از دانشجویان زندانی و لغو آپارتاید جنسی، همه جانبه و متحدانه ادامه دهند.

زنده باد همبستگی سراسری دانشجویان مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری زنده باد جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست

در مقابل این نهاد های سرکوبگر تنها بماند. تنها راه پیشروی در مقابل جمهوری اسلامی اعتراض گسترده و همگانی و رادیکال است.

به احکام کمیته های انضباطی، به آپارتاید جنسی اعتراض کنید و خواهان آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی شوید.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست

برای انزاوای بین المللی جمهوری اسلامی ایران بکوشیم! گزارشی از میتینگ اعتراضی ۲۸ دسامبر در استکهلم در حمایت از فراخوان دانشجویان



در پاسخ به فراخوان دانشجویان آزادخواه و برابری طلب که ۲۸ دسامبر را روز بین المللی اعتراض به دستگیری دانشجویان ایران اعلام کرده بودند، در میدان اصلی شهر استکهلم تظاهرات با شکوه و پرشوری برگزار شد.

با وجود هوای سرد و یارانی مردم زیادی به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. مردم با در دست داشتن شعارهایی به زبان سوئدی و فارسی در محکومیت جمهوری اسلامی و آزادی دانشجویان در بند توجه عابری را جلب می کردند. ده ها پلاکارده که عکسهایی از دانشجویان زندانی را بر خود داشت در بین جمعیت به چشم میخورد. این آکسیون از طرف چند حزب و نهاد اجتماعی اعلام شده بود. تشکیلات استکهلم حزب کمونیست کارگری ایران نیز در این تظاهرات شرکت داشت. فعالین حزب برای جلب توجه افکارعمومی ایرانیان در شهر استکهلم تلاش گسترده ای را سازمان دادند؛ از جمله تبلیغ در رسانه های فارسی زبان شهر و تبلیغ و پخش وسیع اطلاعیه های آکسیون ۲۸ دسامبر در کنسرت گوگوش و دعوت از آنها برای شرکت در آکسیون که مورد توجه بسیاری قرار گرفت.

در این میتینگ نمایندگان از احزاب و نهادهای اجتماعی شرکت کننده سخنرانی کردند و ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه دانشجویان خواهان آزادی فوری دانشجویان و همه زندانیان سیاسی شدند. محمد امیری سخنران حزب کمونیست کارگری ایران در این میتینگ، ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر دستگیری دانشجویان، گفت: "دانشجویان زده اند "زنده باد آزادی و برابری" و بر خواست حقوق برابر زنان و مردان تاکید گذاشته اند و خواهان الغای آپارتاید جنسی در ایران شده اند. اگر این جرم است، من اعلام می کنم که همه ما که امروز اینجا جمع شده ایم و اکثریت مردم ایران و جهان شریک این جرم هستیم." او در قسمت دیگری از سخنرانی خود به تلاش جهانی برای منزوی کردن رژیم جنایتکار اسلامی اشاره کرد و گفت: "ما باید در سطح بین المللی با

سیخ افکار عمومی و مردم آزادخواه جهان با جمهوری اسلامی کاری را بکنیم که با رژیم آپارتاید آفریقایی جنوبی انجام شد." او بر تشدید فعالیت برای انزاوای بین المللی جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد. تظاهرات با قرائت قطننامه ای

در محکومیت جمهوری اسلامی و آزادی بی قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی خاتمه پیدا کرد.*

تنظیم کننده گزارش: جمیل فرزاد

برای افزایش دستمزد، علیه بی مسکنی، علیه بیکاری! اخبار اعتراضات کارگری در چند روز گذشته

اعتراض کارگران ایران خودرو، کارکنان پالایشگاه آبادان، کارگران شرکت پونل پاکدشت، کارگران مجتمع صنعتی سماء قروه، تاکسیرانان آبادان، کارگران کارخانه آزمایش مرودشت، کارگران کارخانه چینی همگام، کارگران شرکت ایران تزریق پمپ زنجان و کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر

اعتراض کارگران ایران خودرو به کاهش سطح دستمزدها

"جمعی از کارگران ایران خودرو" با انتشار بیانیه ای اعتراض شدید خود را نسبت به کاهش سطح دستمزدها ابراز کرده اند. در این بیانیه آمده است: "در پی تجدید ساختار طبقه بندی مشاغل در شرکت ایرانخودرو در جهت ثابت نگهداشتن سطح دستمزدها موجی از اعتراض این شرکت را فرا گرفت. اعتراض کارگران در بخشهای مختلف به قدری زیاد بود که شرکت مجبور گردید که روز جمعه را که قبلا کار اعلام کرده بود لغو نماید. چرا تاون کاهش هزینه ها از جیب ما کارگران؟ معاونت منابع انسانی شرکت با دست بردن در طرح طبقه بندی مشاغل افزایش ارتقاء شغلی را از دوسال به چهارسال افزایش داده است و دلیل آنها کاهش هزینه ها با ثابت نگهداشتن دستمزد ما کارگران میباشد بطوریکه همکارانی که قرار بود امسال ارتقاء شغلی پیدا کنند با این قانون ارتقاء شغلی آنها نه تنها افزایش پیدا نمیکند بلکه دوسال دیگر عقب می

افتند. ما میپرسیم چرا تاوان کاهش هزینه ها از جیب ما کارگران باید پرداخت شود در حالیکه تولید شرکت نه تنها کاهش پیدا نکرده است بلکه با افزایش روزانه صادرات میلیاردها سود عاید شرکت گردیده است ما میپرسیم سهم ما از افزایش تولید و صادرات چیست؟

دوستان و همکاران گرامی، با توجه به افزایش تورم که هر روز در جامعه رخ میدهد ثابت نگهداشتن سطح دستمزدها چه چیزی غیر از پایین آوردن توان و قدرت خرید ما میباشد به نظر میرسد هر چه تولید افزایش پیدا میکند صادرات زیاد میشود هر چه ما تلاش میکنیم چیزی غیر از فقر و نداری نصیبمان نمیشود. عدم تامین چیران کسر حقوقها دیگر معنایی ندارد رکورد تولید قطع شده است آکوردها همچنان ثابت نگهداشته شده است، وسایل بنی دیگر توضیح نمیشود. دادن بن نقدی هیچ چیزی نصیب ما کارگران نمیکند، روغن نباتی امروز ده هزار تومان گیر نمیاید، تعاونی خاص و تعاونی مصرف تبدیل به يك بنگاه منبع در آمد برای عده خاص

گردیده اند. این تعاونها با بیشمری اجناس خود را با ۲۰ درصد بالای بازار به ما میفروشد. دوستان چرا تاوان کاهش هزینه ها را ما باید بپردازیم؟ عدم افزایش قیمت خودرو در بازار، ثابت نگهداشتن قیمت آن توسط دولت چه چیزی عاید ما کارگران میکند، در حالیکه قیمت خودرو در بازار آزاد میلیونها تومان اختلاف دارد و سود آن نصیب دلان و سود جویان می گردد. ما به شیوه تجدید در طرح مشاغل طبقه بندی معترضیم. نباید این شیوه اعمال گردد. اعمال این شیوه یعنی ما دیگر هیچ امیدی به افزایش شغلی خود نخواهیم داشت. چه کسی قبول می کند که چهارسال به چهارسال ارتقاء شغلی پیدا کند. ما خواهان لغو این مصوبه و خواهان اجرای بهتر و کاهش اختلاف سطوح دستمزدها می باشیم."

طومار اعتراضی کارگران مجتمع صنعتی سماء در قروه

بر اساس گزارشی از کمیته دفاع از محمود صالحی، بیش از ۲۶۰ تن از کارگران شرکتهای شیان، پارگل،

ذوب ریس، مبتکر پارس غرب و ظرف ناز وابسته به مجتمع صنعتی سما، در اولین روزهای دی ماه با امضاء طوماری در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان به فرمانداری قروه و استانداری کردستان از عدم توجه به مطالباتشان شکایت کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شده اند. این کارگران بیش از ۷ ماه است که حقوق و مزایای دریافت نکرده اند.

اعتصاب کارگران شرکت پونل پاکدشت

طبق خبری که روز ۶ دی ماه منتشر گردید، کارگران شرکت "پونل" در شهرستان پاکدشت در چند روز قبل از انتشار خبر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. این کارگران که حقوق و مزایای ۳ ماه را دریافت نکرده اند، ماه گذشته نیز به مدت ۳ روز اعتصاب کرده بودند که کارفرما حاضر به توجه به مشکلات و پرداخت مطالبات کارگران نشده است.

کارکنان پالایشگاه آبادان علیه بی مسکنی

بیش از ۲۰۰ تن از کارکنان رسمی پالایشگاه آبادان، روز ۵ دی ماه با خواست واگذاری منازل مسکونی در مقابل این پالایشگاه تجمع کردند. کارگران اعلام کرده اند که ما ۲۵ تا ۳۰ سال است در شرکت پالایش نفت کار میکنیم و تاکنون صاحب خانه نشده ایم. شرکت پالایش نفت آبادان منازل سازمانی را به افراد غیرنفتی واگذار میکند اما حاضر نیست تعدادی از این منازل را به کارکنان خود واگذار کند.

تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی در آبادان

بنا به خبر دیگری از آبادان در همین روز ۵ دی ماه، بیش از ۲۰۰ نفر از رانندگان تاکسیهای دوگانه سوز برای دومین روز متوالی نسبت به کاهش سرانه بنزین در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع کارگران کارخانه چیت

صفحه ۹

خیابانهای فرانکفورت و برمن از آزادی دانشجویان در بند سخن می گفت!



مواجه گردید.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران آلمان
۱۳۸۶-۲۸ دسامبر ۲۰۰۷

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

شهر از مبارزات مردم ایران شدند. در همین رابطه رادیو فردا با شهناز مرتب عضو کمیته آلمان در باره این حرکت اعتراضی و افشاگرانه مصاحبه نمود.

برمن

در برمن نیز از ساعت ۱ بعد از ظهر مرکز شهر به محلی برای اجتماع اعتراضی مخالفین جمهوری اسلامی و بسیج افکار عمومی برای آزادی دانشجویان دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی در ایران تبدیل شد. فعالین حزب یک میز اطلاعاتی دایر کردند و با نصب پلاکاردهای افشاگرانه به همراه پوستر و عکس های دانشجویان دستگیر شده توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کردند. اطلاعاتی های حزب که همگی بر مبرمیت مبارزه برای آزادی دانشجویان، محکومیت جمهوری اسلامی و دعوت به حمایت از مبارزات انقلابی مردم ایران تاکید داشتند، در میان حاضرین و مردم رهگذر پخش شد.

فعالین حزب با حضور در

شده جلوه دیگری به این تجمع اعتراضی داده بود. فعالین و کادرهای حزب به مردمی که از نمایشگاه و میز اطلاعاتی دیدن می کردند، در مورد جنایات رژیم و اخبار دستگیری دانشجویان توضیحاتی را ارائه می دادند و در باره مسائل و موضوعات مربوط به ایران به بحث و گفتگو می پرداختند.

صدها نسخه اعلامیه های حزب به همین مناسبت به زبانهای آلمانی، انگلیسی و فارسی در میان مردم پخش کردند. در کنار میتینگ تومار جمع آوری امضا در محکومیت جنایات جمهوری اسلامی و در دفاع از آزادی بی قید و شرط دانشجویان دستگیر شده و کلیه زندانیان سیاسی قرار داشت که با استقبال بی سابقه مردم روبرو شد و صدها نفر این تومار را امضا کردند. فعالین حزب بیش از ۲ ساعت در این میتینگ اعتراضی وسیعا بر علیه جمهوری اسلامی افشاکاری نموده و خواهان حمایت مردم

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران در حمایت از فراخوان دانشجویان در ایران در دو شهر فرانکفورت و برمن آلمان با برپایی چادر اطلاعاتی، تجمع اعتراضی و برگزاری نمایشگاه به فراخوان جهانی برای آزادی دانشجویان دستگیر شده در ایران پاسخ دادند. این اجتماعات با اعلام حمایت و پشتیبانی وسیع مردم این دو شهر از دانشجویان و مبارزات مردم ایران روبرو شد.

فرانکفورت

از ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز جمعه ۲۸ دسامبر، واحد حزب کمونیست کارگری ایران در فرانکفورت با برپایی یک نمایشگاه بزرگ عکس در مرکز شهر توجه هزاران نفر از عابریین را به مبارزات دانشجویان و وضعیت دستگیرشدگان و تلاش برای رهایی آنها جلب کرد. دهها پلاکاردها و پرچم به همراه پوستر و عکس های دانشجویان دستگیر

صفی به وسعت بشریت

گزارش میتینگ اعتراضی ۲۸ دسامبر در گوتنبرگ



و آزادی فرزندانشان مبارزه می کنند. در مقابل جمهوری اسلامی آنها را تهدید می کند و تلاش میکند آنها را مرعوب و ساکت کند. ولی خانواده ها با اتکا به مبارزات دانشجویان و اعتراضات بین المللی در مقابل جمهوری اسلامی ایستادگی میکنند. جمهوری اسلامی نشان داده دشمن آزادیخواهی و انسانیت است. ما اینجا و در سراسر دنیا جمع شده ایم تا نشان دهیم صف مبارزه علیه جمهوری اسلامی به وسعت بشریت است و صدای اعتراض مردم در ایران را به گوش جهانیان برسانیم و اعلام کنیم جمهوری اسلامی نماینده مردم نیست بلکه قاتل مردم است. ما میخواهیم با کمک افکار عمومی جهانی دولتهای غربی را مجبور کنیم که جمهوری اسلامی را منزوی کرده و از

شد افکار عمومی را متوجه سرکوب در ایران و بویژه دستگیریهای اخیر دانشجویان کرد. سوسن صابری عضو کمیته مرکزی حزب چندین بار اطلاعاتی حزب به زبان سوئدی را قرائت کرد که طی آن بر مبرمیت آزادی فوری دانشجویان و کلیه زندانیان سیاسی، محکومیت جمهوری اسلامی و حمایت از خواستها و جنبش انقلابی مردم ایران تاکید شده بود. یکی از سخنرانان نوید مینایی عضو دفتر سیاسی حزب و دبیرسازمان جوانان کمونیست بود. او در بخشی از سخنرانی اش گفت:

"جمهوری اسلامی حدود ۴۰ نفر از دانشجویان را دستگیر کرده است. جرم این دانشجویان آزادیخواهی و برابری طلبی و خواست سوسیالیسم بود. خانواده های این دانشجویان مصمم و یکپارچه برای ملاقات

در حمایت از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ایران در اعتراض جهانی به دستگیریهای اخیر دانشجویان، روز جمعه ۲۸ دسامبر (۷ دیماه) یک میتینگ اعتراضی در یکی از میدانی اصلی شهر گوتنبرگ برگزار شد. این میتینگ از سوی گروه ها و احزاب مخالف جمهوری اسلامی و از جمله واحد حزب در شهر گوتنبرگ فراخوان داده شده بود. علیرغم باران شدید، معترضین با برپایی یک چادر اطلاعاتی و توزیع اطلاعاتی در بین مردم و همچنین ایراد سخنرانی توجه مردم را به خود جلب کردند. در این میتینگ اعتراضی، شرکت کنندگان پلاکاردهایی را در دست داشتند که بر روی آنها خواست آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان دربند، خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی نوشته شده بود. دهها نسخه اعلامیه بزبان سوئدی که در میان مردم پخش

مجامع بین المللی اخراج کنند. ما خواهان آزادی تمامی دانشجویان دستگیر شده، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی هستیم. ما خواهان ایجاد جامعه ای انسانی و یک دنیای بهتر هستیم."

از نمایندگان احزاب و نهادهای دیگری که در این میتینگ اعتراضی شرکت کرده بودند، سلام ذیجی، علی عبدالله، کریم نوری و توفیق محمدی هر یک با اشاره به اعتراضات اخیر دانشجویی در

تنظیم کننده گزارش:
صابر نوری
دبیرشکیلات گوتنبرگ
حزب کمونیست کارگری ایران

اسپانسرهای تامین مخارج تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در ماه دسامبر ۲۰۰۷

اسپانسر	مبلغ	نام اسپانسر	مبلغ	اسپانسر	مبلغ
انگلستان:		شهناز مرتب	۱۰۰ پوند	جلیل جلیلی	
۵۰ یورو		فرزانه درخشان	۱۰۰ پوند	بهرام سروش	
۵۰ یورو		مهران م		پونه راوری ۱۰۰ پوند	
۵۰ یورو		فنلاند:	۲۰۰ پوند	سهیلا شریفی	
۲۰۰۰ کرون سوئد		عمر معروفی	۵۰۰ پوند	بهار میلانی	
۵۰۰ کرون سوئد		امیر توکلی		سوئد:	
		فرانسه:	۱۰۰۰۰ کرون	سیامک طهماسب	
۴۵۰ دلار		واهیگ هاتونیان	۲۰۰۰ کرون	افسانه وحدت	
۶۵ یورو		یدی کوهی	۲۰۰۰ کرون	شهاب ...	
۱۵ یورو		Etienne	۲۰۰۰ کرون	کریم شامحمدی	
۲۰ یورو		سیروس	۲۰۰۰ کرون	شاهو پیرخضرائیان	
		کانادا:	۲۰۰۰ کرون	حسن صالحی	
۱۰۰۰ دلار		واحد ونکور	۱۵۰۰ کرون	حسن سیاوشی	
۷۰۰ دلار		سلیمان سیگارچی	۱۵۰۰ کرون	فریده آرمان	
۵۰۰ دلار		داریوش زیبا	۱۳۷۵ کرون	آذر پویا	
۳۰۰ دلار		محمد کاظمی	۱۰۰۰ کرون	مراد شبخی	
۲۰۰ دلار		داوود آرام	۱۰۰۰ کرون	محمد امیری	
۲۰۰ دلار		مسعود آذرنوش	۱۰۰۰ کرون	سیامک بهاری	
۲۰۰ دلار		صابر آزاد	۱۰۰۰ کرون	صابر نوری	
۱۰۰ دلار		مهران محبوبی	۱۰۰۰ کرون	کامبیز حقیری	
۱۰۰ دلار		نینا تابان	۱۰۰۰ کرون	نیلوفر صابری	
۱۰۰ دلار		فریدون فرهی	۵۰۰ کرون	محمود امیدی	
۱۰۰ دلار		عباس ماندگار	۵۰۰ کرون	غلام اکبری	
۱۰۰ دلار		طهمینه صادقی	۵۰۰ کرون	گیتی آقاجانی	
۱۰۰ دلار		جمشید هادیان	۵۰۰ کرون	هوشیار سروش	
۱۰۰ دلار		بهرام کلاهرزی	۵۰۰ کرون	جمیل فرزاد	
۱۰۰ دلار		یدی محمودی	۵۰۰ کرون	فرشته امینی	
		نروژ:		شاهرخ حیدری	
۵۰۰ کرون		هادی رحیمی		آلمان:	
		هند:	۳۰۰ یورو	واحد کلن	
		بهمن ذاکر نژاد	۲۲۵ یورو	حمید رحیم پور	
۴۰۵ یورو		امریکا:	۲۰۰ یورو	محبوبه سیاهمردی	
		آقای حمیدی	۲۰۰ یورو	حبیب نسوچی	
۳۰۰ دلار		نوشا طاهری	۲۰۰ یورو	مهین درویش روحانی	
۳۰۰ دلار		قادر	۲۰۰ یورو	محمد کریمی	
۲۰۰ دلار		ممتاز	۲۰۰ یورو	سیامک مکی	
۲۰۰ دلار		سعید صالحی نیا	۲۰۰ یورو	مهین کوشا	
۱۵۰ دلار		کسرا	۲۰۰ یورو	نوید محمدی	
۲۰ دلار			۵۰ یورو	منوچهر زندی فر	
				محمود جلیلی	

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

Post Bank

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانی از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto.Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050

شماره حساب ها:**انگلیس:**

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

کمک های خود را میتوانی به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

اجتماعات اعتراضی کارگران در برابر مراکز دولتی

اعتراض مجدد کارگران شرکت قوه پارس قزوین، اعتراض مجدد کارگران شرکت چینی همگام و اعتراض ماهیگیران منطقه کیشهر گیلان

تجمع اعتراضی مجدد کارگران شرکت قوه پارس قزوین به عدم پرداخت حقوق معوقه

صبح چهارشنبه ۱۲ دی ماه کارگران شرکت قوه پارس قزوین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود بار دیگر و این بار در مقابل وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی در تهران تجمع کردند. ۱۸ ماه حقوق و مزایای این کارگران تا کنون پرداخت نشده و ۱۵۰ تن از کارگران بازنشسته این واحد نیز تاکنون مطالباتشان را دریافت نکرده اند. کارگران اعلام کردند که «آیا اگر مسئولان دولتی ۲ ماه حقوق نگیرند، تحمل خواهند کرد؟» کارگران تجمع کننده شرکت

قوه پارس، روز ۱۱ دی ماه نیز در مقابل وزارت کار تجمع کرده بودند که با دخالت نیروهای امنیتی از مقابل این وزارت بیرون رانده شدند. یکی از مسئولین وزارت صنایع و معادن در پاسخ به تجمع کارگران با وقاحت گفته است: «خواست کارگران، راه اندازی مجدد این کارخانه است که این درخواست غیر قانونی است. همچنین ادعای کارگران مبنی بر اینکه ۱۸ ماه است حقوق دریافت نکرده اند، نیز از واقعیت به دور است و اجتماع آنان روبه روی وزارت صنایع نیز غیر قانونی است.»

کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی که بین ۱۷ تا

۲۷ سال سابقه کار در این شرکت را دارند تاکنون چندین بار در مقابل نهادهای مختلف جمهوری اسلامی دست به تجمع زده اند، اما هیچ اقدامی جهت رسیدگی به مشکلات آنان انجام نشده است.

تجمع صیادان در مقابل استانداری گیلان

بیش از ۱۰۰ تن از ماهیگیران منطقه کیشهر روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه در مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند. به دنبال تعطیلی شرکت تعاونی منطقه کیشهر در ۳ سال قبل، مسئولین دولتی از جبران خسارات وارده و پرداخت مطالبات ۱۳۰ تن از صیادان این منطقه

خودداری می کنند. صیادان شرکت کننده در این تجمع که خواهان احقاق حقوق خود بودند، بدون آنکه جوابی به خواستهایشان داده شود، به وسیله سرکوبگران جمهوری اسلامی متفرق شدند.

اعتراض مجدد کارگران کارخانه چینی همگام در اعتراض به دستمزدهای معوقه

دهها تن از کارگران کارخانه چینی همگام بار دگر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به تجمع زدند. این کارگران که چند روز پیش در روز ۳ دی ماه در مقابل استانداری شهرکرد تجمع کرده بودند، روز دوشنبه ۱۰ دی

ماه این بار در مقابل اداره کار این شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند. کارگران کارخانه چینی همگام که مطالبات معوقه خود را دریافت نکرده اند، خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه و رسیدگی به بیمه بیکاری خود شدند. این کارگران طی ماههای گذشته چندین بار در مقابل استانداری استان چهارمحال و بختیاری دست به تجمع زده اند، اما مسئولین دولتی و کارفرمایان همچنان از پاسخگویی به مشکلات آنان خودداری می کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ دی ماه ۱۳۸۶ - ۲ ژانویه ۲۰۰۸

خشم مردم بندر ترکمن زبانه میکشد

حمله کردند و عده ای را با مشت و لگد به داخل کامیونها انداختند و با خود بردند. این داستان زندگی مردم در تمام این ۲۹ سال حکومت اسلامی بوده است. داستان زندگی دهها هزار نفر از مردمی که راه دیگری برای امرار معاش ندارند. و این انفجار خشم فروخته و انبار شده مردمی است که هر از چندی سر بلند میکند و هر بار قدرتمندتر و گسترده تر میشود.

انترناسیونال

منظور کنترل مردم به این منطقه اعزام شده بودند، با حدود ۳۰ خودرو و ۶۰ موتور سیکلت به پاسگاه حراست نیروی انتظامی در غرب روستای چایاقلی حمله کردند و آترا به آتش کشیدند و سپس به فرمانداری بندر ترکمن هجوم بردند، شیشه های آترا شکستند و خودروها و قایق های موجود در ساختمان را خرد کردند. نیروهای سرکوب رژیم بندر ترکمن را به حالت حکومت نظامی درآوردند و نیمه شب به منزل بسیاری از مردم

کشته شدن حسام الدین خدیور صیاد ۱۸ ساله از روستای چایاقلی در بندر ترکمن در روز جمعه هفتم دی ماه و زخمی شدن دو نفر دیگر از دوستان او، توسط نیروهای حراست رژیم، به شعله ور شدن خشم مردم منطقه و اعتراض دسته جمعی آنان منجر شد. جوانان و اهالی روستاهای چایاقلی، خواجه نفس و شهرستان ترکمن، که فقر و محرومیت و زورگویی عوامل حکومت جانشان را به لبشان رسانده است، علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوب که از شهرهای اطراف به

از صفحه ۶ برای افزایش دستمزدها...

سازی بهشهر

روز ۳ دی کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. تجمع کنندگان اعلام کرده اند که چندین ماه است حقوق آنها پرداخت نگردیده است.

تجمع کارگران کارخانه چینی همگام شهرکرد

روز ۳ دی کارگران کارخانه چینی همگام در شهرکرد در مقابل استانداری رژیم تجمع کرده و نسبت به دستمزدهای معوقه و وضعیت نابسامان خود دست به اعتراض

زدند. این کارگران از آغاز امسال دستمزد خود را دریافت نکرده اند.

تجمع کارگران

برای بیمه بیکاری در زنجان

روز ۶ دی کارگران سابق شرکت ایران تریق پمپ در زنجان، با خواست بیمه بیکاری در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند. بنا به گزارشات منتشر شده کارگران این شرکت علیرغم داشتن سابقه طولانی کاری، ناگزیر به تسویه حساب با شرکت شده و اکنون در بلاتکلیفی بسر میبرند. کارگران در تمام طول این مدت حتی یک روز انفصال از خدمت نداشته و در روزهای تعطیل نیز سر کار حاضر

می شدند.

کارگران آزمایش مرودشت خواهان افزایش دستمزدهایشان هستند

بنابه خبری که در ۸ دی ماه منتشر گردیده بود، کارگران کارخانه آزمایش مرودشت با خواست افزایش دستمزدها به مدت یک هفته در اعتصاب بودند. کارگران اعتصابی قرار بود که روز ۵ دی از کارخانه تا اداره کار این شهر راهپیمایی کنند که با طرح اخراج و تهدید کارفرما روبرو شده و موقتاً به اعتصاب خود خاتمه دادند. مساله از این قرار است که کارفرمای این شرکت در تقابل با اعتراضات کارگران طرح اخراج ۴۰ نفر از

کارگران قراردادی را به این بهانه که آنها باعث تعطیل کشیده شدن کارخانه و تولید شده اند، به شورای حل اختلاف داده است. اکنون شورای حل اختلاف به اخراج هشت تن از این کارگران رای مثبت داده است و برای ۳۲ نفر باقی این کارگران قرار است روز یکشنبه ۹ دی تصمیم گیری نهایی شود. این کارگران همه قراردادی بوده و از ۹ تا ۱۲ سال سابقه کار دارند. گفتنی است این کارگران در مهر و آبان نیز اعتصابی قول داده بود که حقوق کارگران به موقع پرداخت خواهد شد و مبلغ آن نیز افزایش می یابد. اما اکنون بعد از سه ماهه تنها حقوق کارگران این

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ دی ماه ۱۳۸۶ - ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

جان محمود صالحی در خطر است به رای پزشک قانونی به ماندن محمود صالحی در زندان اعتراض کنیم

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از نهادها و سازمانهای آزادیخواه در سراسر جهان میخواهد که نسبت به وضعیت وخیم محمود صالحی عکس العمل سریع نشان دهند. جان محمود صالحی در خطر است. تا دیر نشده باید به نجات او شتافت.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۵۸ - ۸۶ - ۲۹ دسامبر ۲۰۰۷

iran_political_prisoner@
yahoo.com
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

داشتن محمود صالحی در زندان اعتراض کرد. محمود صالحی بخاطر برپایی مراسم اول مه و شرکت در آن و بخاطر دفاع از حقوق کارگران از فروردین ماه تا کنون در زندان است. باید با اعتراضی گسترده او را از زندان جمهوری اسلامی رها کرد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از کارگران و انسانهای آزادیخواه میخواهد که نسبت به رای پزشکی قانونی به ماندن محمود صالحی در زندان صدای اعتراض خود را بلند کنند.

او اجازه ندادند تا جهت معالجه و آزمایش خون از زندان خارج شود و همچنین از تقاضای نجیبه صالحزاده جهت ملاقات محمود صالحی نیز ممانعت به عمل آمد. طبق آخرین اخبار محمود صالحی کماکان بنا به تغییر فشار خون در اثر نارسایی کلیه، روزانه بیشتر از دویار از هوش میروید. این یک گزارش تکان دهنده از وضع محمود صالحی در زندان و رای جنایتکارانه پزشکی قانونی رژیم در مورد اوست. باید به این رای و به ننگه

چربی قند او بالاست، پرستات او بزرگ شده، مجاری ادراری دارای مشکل و رودههای او ورم کرده است اما با وجود همه اینها، بیمار میتواند در زندان بماند... روز شنبه ۱ دی ماه محمود صالحی دو بار از هوش رفته که با کمک زندانیان، او را به بهداری زندان سنندج منتقل کرده اند. طبق دستور پزشکان بیمارستان توحید روز شنبه باید محمود صالحی را به بیرون از زندان منتقل کرده و از او آزمایش خون به عمل می آمد اما مسئولین زندان به

بنا به اطلاعیه کمیته دفاع از محمود صالحی پزشک قانونی رژیم رای به ماندن محمود صالحی در زندان داده است. در این اطلاعیه آمده است: "روز چهارشنبه ۲۸ آذر ماه محمود صالحی را به پزشک قانونی سنندج جهت معاینه منتقل کرده اما مدارک پزشکی وی را با خود نبرده بودند، روز شنبه ۱ دی ماه پزشک قانونی رای خود را صادر کرد. پزشک قانونی سنندج علیرغم اینکه تأیید کرده است که کلیه محمود صالحی پلی استیک است، فشار خون او متغییر و

فقر، مهدی را به کام مرگ کشید!

این رژیم را برچینند. بروزات این انقلاب را همین دو سه هفته قبل در مراسم های ۱۶ آذر و حمایت های کارگران از این اعتراضات بروشنی میتوان دید.

برای برچیدن این جهنم سرمایه و زندگی نکبت باری که مرگ مهدی و مهدی ها گوشه ای از سیاهی آن است باید بپا خاست.

نویسنده این سطور، ضمن تسلیت گفتن به خانواده مهدی شیرغانی و اهالی شهر شیروان خراسان، از همه مردم و کارگران میخواهد که به شرایط نکبت بار و فقر و فلاکت موجود اعتراض کنند.

خبرنگار انترناسیونال در ایران

چرا که رژیم، با تحمیل فقر و فلاکت به میلیونها انسان در جامعه سرمایه داری تحت حاکمیت سیاه اسلام، نمیخواهد تبعات ناشی از زندگی در شرایط بغایت ضد انسانی حاضر بگوش مردم برسد. این رژیم نمیخواهد جهنمی را که در آن زندگی میلیونها انسان تباه میشود با درز چنین خبرهائی آشکارتر و آشکارتر شود. ولی رژیم کور خوانده است. مردم ایران در این دوره از زندگی اجتماعی خود در گیر مبارزه ای سخت، در قالب یک جنبش سرنگونی طلبی هستند و میروند که انقلاب عظیمی را بانجام رسانند و بساط

اقتصادی پتروشیمی ماهشهر و در شرکت مازیار صنعت مشغول شده بود. او از شهری آمده بود که صادراتش نیروی کار شاغل در شرکتهای عایق کاری در صنایع نفت و پتروشیمی است. او عایق کار بود و در اثر فقر و برای کار، بالاجبار محل زندگی و شهرش را ترک کرده بود که برای تامین زندگی خود و خانواده نیروی کارش را بفروشد.

چنین خبرهائی خیلی کم در روزنامه های ایران نوشته میشود. شب، دو سه بار برای شیر دادن به فرزند خود، از خواب بیدار شده بود و از اتاق هم خارج شده بود، با درجه ای کمتر دچار خفگی مواجه شده و بدین ترتیب خود و فرزندشان از مرگ حتمی نجات یافتند. مهدی، فقط چند روز قبل با کرایه کردن خانه محقری در شهر ماهشهر زندگی کاری اش را شروع کرده بود. او یکی از کارگران اکیبی بود که برای کار از شهر شیروان به ماهشهر آمده بود. او در پتروشیمی غدیر در منطقه ویژه

مهدی شیرغانی، ۳۵ ساله اهل شیروان (استان خراسان) در اثر گاز گرفتگی فوت کرد. مهدی به همراه همسر و فرزند ۲۰ ماهه خود که در شهر ماهشهر زندگی میکرد، شب روز دوشنبه، بدلیل نشت گاز دی اکسید کربن به داخل اتاق محل خواب دچار خفگی شده و صبح از خواب بیدار نشد. همسر و بچه مهدی نیز دچار مسمومیت خفیف شده بودند، به بیمارستان منتقل شدند و خیلی اتفاقی از مرگ نجات یافتند. همسر مهدی که در طول

جلسات گفتگو با حمید تقوائی در پت روم اینسپیک و پلتاک

گفتار این هفته:

وقتی اسبها همدیگر را گاز میگیرند!

نگاهی به "دعواهای انتخاباتی"

بر سر اقتصاد، رابطه با آمریکا و طرح "امنیت اجتماعی"

زمان: جمعه ۱۵ دیماه ۸۶، ۴ ژانویه ۲۰۰۸، ساعت ۳۰:۹ شب بوقت ایران،

۷ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در اینسپیک و پلتاک